

هوش هیجانی در ورزشکاران معلول

Emotional Intelligence in Athletes with Disabilities

Mohammad A. Aslankhani, PhD

Shahid Beheshti University

Behrouz Abdoli, PhD

Shahid Beheshti University

دکتر بهروز عبدلی

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمدعلی اصلانخانی

دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

Seied Hojjat Zamani Sani

Postgraduate Student

Shahid Beheshti University

Zahra Fathi Rezaie

Postgraduate Student

Shahid Beheshti University

زهرا فتحی رضایی

دانشجوی کارشناسی ارشد

دانشگاه شهید بهشتی

سیدحجت زمانی ثانی

دانشجوی کارشناسی ارشد

دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

Samples of 163 disabled men (53 paralympics athletes, 50 athletes and 60 non-athletes) completed the Bar-On (1997) Emotional Intelligence Questionnaire. The results of ANOVA showed both groups of athletes had higher levels of emotional intelligence than non-athletes. MANOVA revealed that paralympics athletes had higher scores in self-actualization and independency subscales than disabled athletes. The athletes scored higher in self-awareness, social responsibility, interpersonal relationships, problem solving, stress tolerance and happiness subscales than non-athletes.

Key words: emotional intelligence, paralympic, disabled athlete.

Contact information : hojjatzamani8@gmail.com

چکیده

نمونه‌ای از ۱۶۳ معلول (۵۳ ورزشکار پارالمپیک، ۵۰ ورزشکار ملی و ۶۰ غیرورزشکار) پرسشنامه هوش هیجانی بار - ان (۱۹۹۷) را تکمیل کردند. نتایج تحلیل واریانس یک راهه نشان دادند که هر دو گروه ورزشکار نسبت به گروه غیرورزشکار دارای هوش هیجانی بالاتری بودند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری حاکی از نمره‌های بالاتر ورزشکاران پارالمپیک در دو زیر مقیاس خودتحقق‌دهی و استقلال نسبت به ورزشکاران ملی بود. ورزشکاران در زیرمقیاس‌های خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، حل مسئله، تحمل تنیدگی و شادکامی نسبت به غیرورزشکاران نمره‌های بالاتری کسب کردند.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، پارالمپیک، ورزشکار معلول.

received : 12 Mar 2009

دریافت : ۸۷/۱۲/۲۱

accepted : 18 Jul 2009

پذیرش : ۸۸/۴/۲۸

مقدمه

تحقیق در زمینه روان‌شناسی ورزشکاران معلول تا سال ۱۹۸۰ مورد بی‌توجهی قرار گرفته بود، اما در سال ۱۹۸۲ با اعلام سازمان جهانی بهداشت در مورد اینکه ۱۰ درصد از افراد هر جامعه‌ای را معلولان تشکیل می‌دهند، بازخورد نسبت به این گروه تغییر کرد (آسکن و گودلین، ۱۹۸۶). معلولیت^۱ عبارت از مجموعه‌ای از اختلالهای جسمی، ذهنی یا روانی است که فرد را از ادامه زندگی عادی و مستقل خود به صورت شخصی یا اجتماعی باز می‌دارد (اسپنسر، ۲۰۰۷). با پیشرفت علم پزشکی موفقیت‌های چشمگیری در زمینه حفظ سلامت جسمانی، کاهش میزان مرگ و میر و افزایش حد متوسط طول عمر معلولان حاصل شده است. معلولان جسمی، به عنوان بخشی از جامعه نیازمند برنامه‌های ورزشی و حرکتی هستند. در حال حاضر، با توجه به اهمیت روزافزون فعالیت‌های حرکتی و ورزش برای معلولان، کوشش‌های وسیعی برای شناسایی استعداد‌های این افراد با بازگرداندن سلامت به آنها، ارتباط با افراد سالم و تسهیل روند اجتماعی صورت گرفته است. با این وجود بهداشت روانی این افراد از اهم مسائلی است که کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. به همین دلیل شناخت عوامل روان‌شناختی و همبسته‌های مؤثر در حل مشکلات و نابهنجاری‌های رفتاری معلولان و اقدام در زمینه برنامه‌ریزی به منظور اصلاح و بهبود این عوامل یکی از روش‌های بسیار مؤثر در پیشگیری از اختلال‌های روانی به حساب می‌آید.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که فعالیت بدنی می‌تواند در مقابله^۲ با تنیدگی‌های روانی^۳ به افراد معلول کمک کند. همچنین ورزش و فعالیت بدنی نیز در سلامت بدنی، احساس استقلال، مهار درد، پیشگیری از بیماری و به طور ثانویه معلولیت و همچنین حفظ عملکرد مؤثر است (کمپل، ۱۹۹۵). افزون بر آن، پژوهش‌ها مبین تأثیر ورزش بر بهبود بازخورد^۴ معلولان از بعد اجتماعی (اردستانی، تندنویس و حاج میرفتاح، ۱۳۸۱)، افزایش سازگاری شخصیتی (خورند،

۱۳۷۷)، بهبود بهداشت روانی (ثالثی، ۱۳۸۱)، کاهش افسردگی (ارمیان، ۱۳۸۱؛ زند، ۱۳۸۶؛ محمدزاده و مسلمی‌حقیقی، ۱۳۸۱)، کاهش درون‌گرایی (بهمنی، ۱۳۸۱)، افزایش خلق و خوی مثبت^۵ (پالسن، فرنچ و شریل، ۱۹۹۰؛ پالسن، فرنچ و شریل، ۱۹۹۱)، بهبود خود اثربخشی^۶ و مهارت‌های روانی (لوتر، لین و لین، ۲۰۰۲؛ لاتیمر، مارتین گینس و کراون، ۲۰۰۴؛ مارتین، ۲۰۰۲)، افزایش رضایت از زندگی (پاتسکی، ریچاردز، هیکن و دویوو، ۲۰۰۲)، افزایش بهزیستی روان‌شناختی (کمپل، ۱۹۹۵؛ کمپل و جونز، ۱۹۹۴) و سازگاری با مشکلات (پنسگارد، رابرت و اورسین، ۱۹۹۹) بوده‌اند. بنابراین ورزش از دیرباز به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی که می‌تواند سازش‌یافتگی افراد معلول را با مشکلات مربوط به معلولیت افزایش دهد، شناخته شده است. ورزش برای نخستین بار به منظور بازتوانی معلولان در سال ۱۹۴۴ توسط دکتر لادویج گاتمن^۷ مطرح شد. گاتمن با بررسی افراد معلول بیان داشت که هدف از ورزش ایجاد تحرک و جنبش‌پذیری، پیشگیری و جلوگیری از بیماری ناشی از اوقات بستری در بیمارستان و کمک به افراد جهت ایجاد رابطه مجدد با محیط اجتماعی است (برگر، ۲۰۰۹).

کمپل و جونز (۱۹۹۴) نیز ورزش را به عنوان یکی از روش‌های تعدیل‌کردن مسائل روانی افراد معلول مطرح کردند که هیجان‌های آنها را در مسیری صحیح راه می‌اندازد. افزون بر آن ورزش پدیده‌ای است که می‌تواند ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری را تغییر دهد. پژوهشگران (مانند اسپنسر، ۲۰۰۷) معتقدند که تحول شخصیت و ارتقای حرفه‌ای از طریق بازیها و ورزش امکان‌پذیر است. ورزش توانایی افراد معلول را در مواجهه با مسایل فردی و اجتماعی به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌دهد.

تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و روانی، رفتار افراد نیز تغییر می‌کند. از نظر گلن^۸ (۱۹۹۵) نقل از لاتیمر، رنج و براکت، (۲۰۰۷)؛ مه‌یر و فلچر (۲۰۰۷)، افرادی که از نظر اجتماعی متوازن، خوش برخورد و بشاش هستند و آنهایی

1. disability
2. coping
3. mental stresses

4. attitude
5. positive mood
6. self efficacy

7. Guttman, L.
8. Goleman, D.

و با عاطفه منفی، یا به عبارتی دیگر اضطراب، احساس خصومت و نارضایتی رابطه منفی دارد (مانند خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

سیاروچی، دین و اندرسون (۲۰۰۲) نیز نشان دادند که مهارت در مدیریت هیجان با گرایش به حفظ یک حالت خلقی مثبت القا شده به صورت تجربی، ارتباط دارد و می‌تواند مانع بروز افسردگی شود. معلولی که توانایی مهار هیجانهای خود و دیگران را دارد، از حمایت اجتماعی و رضایتمندی بیشتری برخوردار است و چنین حمایتی منجر به مصونیت از حالت‌های افسردگی و افکار خودکشی می‌شود و برای این منظور هیچ راهی بهتر از فعالیت جسمانی، تفریحی و رقابتی برای افزایش مدیریت تنیدگی و مهار هیجانها نیست.

بالیند و تاب (۱۹۹۹) در بررسی خود دریافتند که فعالیت بدنی موجب می‌شود که معلولان به عنوان یک شهروند احساس شایستگی کنند، دستیابی به هدفهای اجتماعی در آنها تسهیل شود و از لحاظ بدنی و روان-شناختی تقویت شوند.

هنشن، هوروات و روسوال (۱۹۹۲) در زمینه تفاوت سطوح ورزشی نشان دادند، ورزشکارانی که برای شرکت در مسابقات المپیک انتخاب شدند نسبت به آنهایی که انتخاب نشدند، از تنش و میزان عصبانیت کمتری برخوردار بودند. کمپل و جونز (۱۹۹۴) نیز در بررسی خود گزارش کردند که ورزشکاران بین‌المللی نسبت به ورزشکاران ملی، منطقه‌ای یا تفریحی ویژگیهای روان‌شناختی مناسب‌تری داشتند.

در تأیید ایده «هر چه بیشتر بهتر»^۵، گلدبرگ و سفارد (۱۹۸۲) مطرح کردند افراد از هر دو پا فلج^۶ که فعالیت بدنی شدید دارند نسبت به افراد از هر دو پا فلج با فعالیت کمتر، از خلق و خو و گرایشهای مثبت‌تر و تصویر بدنی بهتری برخوردارند. بررسی بسکتبالیستهای پارالمپیک نیز نشان داد که شرکت در ورزشهای سطح بالا به آنها کمک می‌کند تا مهار بدنی خود را دوباره کسب کنند و خود را به عنوان یک ورزشکار و نه یک «معلول» بشناسند

که در زمینه خدمت به مردم یا حل مشکلات، قبول مسئولیت و برخورداری از بازخوردهای اخلاقی ظرفیت قابل توجهی دارند، در ارتباط با دیگران هم‌احساسی و توجه بیشتری نشان می‌دهند و با خود و اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند راحتند، از هوش هیجانی^۱ بیشتری برخوردارند و در نتیجه، نسبت به افراد دارای هوش هیجانی پایین موفقیت‌های بیشتری در زندگی خود به دست می‌آورند (بشارت، عباسی و میرزا کمدیفی، ۱۳۸۵؛ زیزی، دینر و هیرشهون، ۲۰۰۳). در ضمن افرادی که در تنظیم هیجانهای خود مهارت دارند، بهتر می‌توانند حالت‌های هیجانی منفی را از طریق فعالیت‌های خوشایند جبران کنند (سالووی^۲، ۱۹۹۹ نقل از خسرو جاوید، ۱۳۸۱).

روی‌آوردهای متفاوتی در زمینه هوش هیجانی وجود دارند. در یکی از این روی‌آوردها، با عنوان روی‌آورد مختلط^۳ هوش هیجانی به عنوان یکی از ویژگیهای شخصیتی در کنار سایر ویژگیها مانند بهزیستی و سلامت، انگیزش و توانایی برقراری ارتباط با دیگران مطرح است. باران (۱۹۹۶ نقل از باران و پارکر، ۲۰۰۰) مفهوم بهره‌هیجانی^۴ را که به وسیله مجموعه وسیعی از رگه‌های مختلف، مانند خودآگاهی هیجانی، خودشکوفایی، خوش‌بینی، استقلال، حل مسئله، مسئولیت اجتماعی، تحلیل تنیدگی و احساس خوشبختی سنجیده می‌شود، مطرح کرد. این مؤلف، هوش هیجانی را به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیتها، باورها، مهارتهای غیرشناختی دانست که تواناییهای فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی بالا می‌برد.

برخی دیگر از پژوهشگران هوش هیجانی را یک سازه انعطاف‌پذیر می‌دانند و معتقدند با آموزشهای لازم و مقتضی به صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌توان هوش هیجانی را در افراد افزایش داد و موجب رشد و شکوفایی آنها شد (لاتیمر و دیگران، ۲۰۰۷).

بررسیها نشان داده‌اند هوش هیجانی با دو مؤلفه گسترده خلق و خو، عاطفه مثبت که به صورت احساس لذت، علاقه‌مندی و اشتیاق تعریف شده است، رابطه مثبت

1. emotional intelligence
2. Salovey, P.

3. mixed approach
4. emotional quotient

5. more is better
6. parapalgic

(آشتون - شافر، گیسون، هولت و ویلمینگ، ۲۰۰۱).

بررسیهای پیشین نشان می‌دهند که سازه هوش هیجانی حتی می‌تواند برخی از مسائل ورزشی مانند عملکرد ورزشی (بشارت و دیگران، ۱۳۸۵؛ زیزی و دیگران، ۲۰۰۳)؛ کارایی رهبری در گروه (تلول، لین، وستون و گرینلیس، ۲۰۰۸)؛ تمرکز بر اصول هیجانی تحت شرایط تنیدگی‌زا (میکولاجکزاک، روی، ورسترینگ و لومینت، ۲۰۰۹) و کیفیت اجرای کار گروهی (مورفی، ۲۰۰۹) را تحت تأثیر قرار دهد. والرند و بلنچارد (۱۹۹۹) نیز اظهار کردند، هیجانها به طور فطری رفتارها و ارتباطهای ورزشکاران را در مسابقه و تمرین تحت تأثیر قرار می‌دهند. افزون بر آن بررسی ورزشکاران زن نشان داده است که هوش هیجانی ورزشکاران زن رشته‌های ورزشی گروهی بیش از ورزشهای انفرادی و در ورزشهای انفرادی بیش از افراد غیرورزشکار است (نریمانی و بشارپور، ۲۰۰۹). بنابراین هیجانها نقش بسیار مهمی در موقعیتهای بین فردی ایفا می‌کنند و به عنوان یک منبع اصلی ایجادکننده پاسخهای هیجانی و رفتاری در برابر دیگران عمل می‌کنند (فریجدا^۱ و مسکیتا^۲، ۱۹۹۴ نقل از لایمر و دیگران، ۲۰۰۷). برای مثال الفنین (۲۰۰۶) معتقد است که درک صحیح هیجانهای افراد (نوع و شدت هیجانها) پیش‌بینی و فهم عملکردهای آتی آنها را تسهیل می‌کند. در حیطه ورزش، تمرین و مسابقه‌ها نیز جنبه‌های بین فردی هیجانها و تواناییهای هیجانی در موقعیتهای مختلفی مانند عملکردها، روابط بین بازیکنان، ورزشکاران و مربیان و ... بروز می‌کند. با توجه به مطالب بالا، هدف اصلی پژوهش حاضر مقایسه هوش هیجانی سه گروه معلولان ورزشکار پارالمپیک، ورزشکار ملی و غیرورزشکار است.

روش

۵۳ نفر ورزشکار پارالمپیک از بین بازیکنان تیمهای ملی جانبازان و معلولان جمهوری اسلامی ایران در رشته‌های فوتبال هفت نفره، والیبال نشسته، وزنه‌برداری و دو و میدانی و ۵۰ نفر ورزشکار ملی از بین ورزشکاران معلول رشته‌های مختلف که در مسابقات کشوری شرکت می‌کردند به صورت تصادفی انتخاب شدند. جامعه آماری معلولان غیرورزشکار نیز شامل معلولان آسایشگاه کهریزک و مرکز آموزش معلولان رعد شهر تهران بود. از این جامعه ۶۰ نفر به طور تصادفی به عنوان نمونه غیرورزشکار انتخاب شدند. در هر سه گروه، فقط معلولانی که نقص و یا قطع عضو داشتند، انتخاب شدند.

ابزار پژوهش پرسشنامه ۱۳۳ سؤالی هوش هیجانی بار-ان^۳ (۱۹۹۷) بود که ۱۵ زیر مقیاس را در پنج مقوله، عوامل درون فردی^۴ (خود آگاهی^۵، خودابرازگری^۶، خود-تحقق‌دهی^۷، استقلال^۸ و احترام به خود^۹)؛ عوامل بین فردی^{۱۰} (همدلی^{۱۱}، مسئولیت‌پذیری اجتماعی^{۱۲}، روابط بین فردی^{۱۳})؛ سازش‌پذیری^{۱۴} (حل مسئله^{۱۵}، آزمون واقعیت^{۱۶}، انعطاف‌پذیری^{۱۷})؛ مدیریت تنیدگی^{۱۸} (تحمل تنیدگی^{۱۹}، مهار برانگیختگی^{۲۰}) و خلق عمومی^{۲۱} (شادکامی^{۲۲}، خوش‌بینی^{۲۳}) با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) اندازه‌گیری می‌کند. ضرایب همسانی درونی زیرمقیاسهای این پرسشنامه بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۶ گزارش شده است (دودا و هارت، ۲۰۰۰). دهشیری (۱۳۸۲) ضریب اعتبار آن را برابر با ۰/۷۳ و شمس‌آبادی (۱۳۸۳) در دامنه بین ۰/۵۵ (زیرمقیاس همدلی) تا ۰/۸۳ (زیرمقیاس مهار برانگیختگی) به دست آوردند. در این تحقیق نیز میانگین اعتبار زیرمقیاسها با استفاده از آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۱ به دست آمد. برای مقایسه نمره کل هوش هیجانی از تحلیل واریانس یک

1. Frijda, N. H.
2. Mesquita, B.
3. Bar-On Emotional Intelligence Questionnaire
4. intrapersonal
5. self-awareness
6. self-assertiveness
7. self-actualization
8. independence

9. self-regard
10. interpersonal
11. empathy
12. social responsibility
13. interpersonal relationships
14. adaptability
15. problem solving
16. reality testing

17. flexibility
18. stress management
19. stress tolerance
20. impulse control
21. general mood
22. happiness
23. optimism

دو گروه دیگر برخوردار بودند.

راهه (ANOVA) و برای مقایسه زیرمقیاسهای هوش هیجانی در سه گروه از تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده شد. در تحلیل هر یک از متغیرهای وابسته به تنهایی با استفاده از آلفای میزان شده بونفرونی، با توجه به ۱۵ زیرمقیاس هوش هیجانی، سطح معناداری ۰/۰۰۳۳ در نظر گرفته شد.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و خلاصه آزمون ANOVA برای مقایسه هوش هیجانی سه گروه معلول

گروهها	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>F</u>	آزمون توکی
۱- پارالمپیک	۳۳۸/۳	۲۳/۴	۱۰/۴**	۱ و ۲ > ۳
۲- ورزشکار ملی	۳۳۷/۲	۲۳/۷		۲ و ۱ > ۳
۳- غیرورزشکار	۳۱۸/۹	۲۸/۳		۳ و ۱ > ۲

**P<۰/۰۱.

یافته‌ها

نتایج تحلیل واریانس نشان داد که بین هوش هیجانی در هر سه گروه معلول تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۱). نتایج آزمون پس تجربی نشان داد بین گروههای ورزشکار پارالمپیک و ورزشکار ملی تفاوت معنادار نبود (P=۰/۹۷۷)، اما بین گروه معلول غیر ورزشکار و دو گروه ورزشکار معلول تفاوت معنادار وجود داشت، به طوری که معلولان غیرورزشکار از هوش هیجانی کمتری نسبت به

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نیز نشان داد که بین گروههای پژوهش از لحاظ زیر مقیاسهای هوش هیجانی تفاوت معناداری وجود دارد (جدول ۲).

جدول ۲.

خلاصه تحلیل واریانس چند متغیری زیرمقیاسهای هوش هیجانی در سه گروه پژوهش

زیرمقیاسها	ورزشکار پارالمپیک (۱)		ورزشکار ملی (۲)		غیرورزشکار (۳)		<u>F</u>	<u>P</u>	آزمون پس تجربی توکی
	<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>	<u>SD</u>	<u>M</u>			
خودآگاهی	۱/۸	۲۲/۳	۱/۸	۲۲/۳	۲/۹	۲۱/۰	۶/۷	۰/۰۰۲	۱ و ۲ > ۳
خودابرازگری	۲/۷	۱۹/۸	۲/۷	۱۹/۸	۳/۱	۱۸/۶	۳/۴	۰/۰۳۵	-
خودتحقق دهی	۲/۱	۲۳/۴	۲/۲	۲۳/۴	۳/۷	۲۱/۹	۱۸/۶	۰/۰۰۱	۱ > ۲ > ۳
استقلال	۱/۵	۲۴/۳	۱/۹	۲۲/۰	۳/۱	۲۱/۰	۲۸/۸	۰/۰۰۱	۱ > ۲ و ۳
احترام به خود	۱/۸	۲۴/۱	۱/۹	۲۴/۱	۳/۶	۲۳/۱	۵/۹	۰/۰۰۳	۱ > ۳
همدلی	۲/۵	۲۴/۰	۲/۵	۲۴/۰	۱/۸	۲۳/۷	۰/۸	۰/۴۶۳	-
مسئولیت پذیری اجتماعی	۲/۳	۲۵/۹	۲/۳	۲۵/۹	۲/۴	۲۴/۵	۶/۹	۰/۰۰۱	۱ و ۲ > ۳
روابط بین فردی	۲/۰	۲۴/۲	۲/۲	۲۴/۲	۳/۱	۲۲/۹	۱۰/۴	۰/۰۰۱	۱ و ۲ > ۳
حل مسئله	۱/۹	۲۴/۳	۱/۸	۲۴/۳	۲/۵	۲۲/۸	۱۱/۶	۰/۰۰۱	۱ و ۲ > ۳
آزمون واقعیت	۲/۶	۲۰/۵	۲/۵	۲۰/۵	۳/۳	۱۹/۵	۳/۲	۰/۰۴۲	-
انعطاف پذیری	۲/۴	۱۹/۲	۳/۴	۱۹/۲	۴/۹	۱۷/۳	۳/۶	۰/۰۲۹	-
تحمل تنیدگی	۳/۷	۲۰/۹	۳/۸	۲۰/۹	۳/۶	۱۸/۶	۷/۹	۰/۰۰۱	۱ و ۲ > ۳
مهار برانگیختگی	۳/۵	۱۹/۴	۳/۴	۱۹/۲	۴/۹	۱۷/۳	۴/۴	۰/۰۱۴	۱ > ۳
شادکامی	۲/۶	۲۵/۳	۲/۶	۲۴/۶	۲/۹	۲۲/۷	۷/۹	۰/۰۰۱	۱ و ۲ > ۳
خوش بینی	۳/۲	۳۲/۳	۳/۲	۲۳/۲	۳/۳	۲۱/۹	۲/۹	۰/۰۵۳	-

توجه: لا ندای ویلکز = ۰/۵۳، P<۰/۰۰۱، P<۰/۰۰۳۳ در نظر گرفته شد.

(۰/۰۰۳۳) مشخص کرد میانگین گروههای ورزشکار در

مقایسه میانگینها با ملاک آلفای میزان شده بونفرونی

خودآگاهی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط بین‌فردی، حل مسأله، تحمل تنیدگی و شادکامی بیشتر از گروه غیر ورزشکار است. در دو زیرمقیاس احترام به خود و مهار برانگیختگی تنها میانگین گروه ورزشکار پارالمپیک از گروه غیرورزشکار بیشتر و تفاوت آن با گروه ورزشکاران ملی غیرمعنادار است.

افزون بر این گروه ورزشکاران پارالمپیک در زیر-مقیاس استقلال از هر دو گروه ورزشکار ملی و غیر-ورزشکار میانگین بالاتری به دست آورده‌اند.

بین گروه‌های مورد مطالعه در زیرمقیاس‌های همدلی، آزمون واقعیت انعطاف‌پذیری و خوش‌بینی تفاوت معنادار به دست نیامد.

بحث

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین میزان هوش هیجانی معلولان پارالمپیک و ملی تفاوت معناداری وجود ندارد، اما تفاوت بین میزان هوش هیجانی معلولان غیر-ورزشکار با دو گروه ورزشکار معنادار است. هوش هیجانی معلولان ورزشکار و غیرورزشکار مورد بررسی قرار نگرفته است. با این وجود مقایسه دیگر عوامل روان‌شناختی ورزشکاران و غیرورزشکاران مانند کریتلر و کریتلر (۱۹۹۱)، بارسید و گیسون (۱۹۹۸) و مقایسه هوش هیجانی مانند تابش (۱۳۸۳) با پژوهش حاضر همخوانی دارد.

بر مبنای بررسی‌های پیشین، می‌توان گفت که ورزش در بهبود وضعیت روانی و ویژگی‌های شخصیتی افراد نقش به‌سزایی دارد. بنابراین یکی از راه‌هایی که به افراد کمک می‌کند تا مسائل روانی خود را تعدیل کنند، هیجان‌های خود را در مسیری صحیح به کار برند و برای رسیدن به موفقیت تلاش کنند، ورزش است، زیرا هنگام ورزش، موفقیت و راه‌های رسیدن به آن و همچنین شکست و راه‌های غلبه بر آن توسط ورزشکاران تجربه می‌شود.

بالا بودن هوش هیجانی معلولان ورزشکار چه از لحاظ مشارکت اجتماعی، تعلق به اجتماع و توانایی انجام مسئولیتها و چه از زوایه سلامت جسمانی و روانی و

شناخت استعدادهای فردی، سازه‌ای است که بر کیفیت زندگی این افراد در جامعه تأثیرگذار است. بنابراین، تقویت هوش هیجانی در معلولان غیرورزشکار از طریق پرداختن به فعالیت‌های ورزشی و تفریحی باعث کم‌رنگ ساختن نقش مشکلات شده و فرصتی ایجاد می‌کند تا فرد بتواند از همه توانایی‌های خود برای رویارویی آگاهانه با موقعیت استفاده کند.

تحلیل زیرمقیاس‌های هوش هیجانی نیز نشان داد که تفاوت این زیرمقیاس‌ها به استثنای خودابرازگری، همدلی، آزمون واقعیت، انعطاف‌پذیری و شادکامی بین معلولان غیرورزشکار و دو گروه دیگر و همچنین در دو زیرمقیاس احترام به خود و مهار برانگیختگی بین گروه ورزشکار ملی و گروه غیرورزشکار معنادار است. نتایج این پژوهش با یافته‌های بررسی‌ها درباره بازخورد افراد معلول نسبت به خود از بعد اجتماعی (اردستانی و دیگران، ۱۳۸۱)؛ در مورد میزان پیوستگی اجتماعی معلولان (صدیق سروستانی، ۱۳۷۶ نقل از اردستانی و دیگران، ۱۳۸۱)؛ در مورد سازگاری شخصیتی، جسمانی، فردی، اجتماعی و شغلی (خورند، ۱۳۷۷)؛ درباره اضطراب، اختلال در کنش‌وری اجتماعی و افسردگی شدید و میزان استقلال معلولان ورزشکار و غیرورزشکار (گل‌محمدی، ۱۳۷۲؛ اددیجا، ۱۹۸۷ نقل از اردستانی و دیگران، ۱۳۸۱؛ پورسلطانی، ۱۳۸۲) همخوانی دارند. در واقع با تحقیق درباره مسائل روانی و اجتماعی افراد معلول می‌توان نتیجه گرفت که تصویر نادرست از خود در فرد معلول موجب کاهش احترام به خود و فعالیت بدنی لازم برای شرکت در اجتماع و کسب تجربه‌های مثبت در فرد معلول می‌شود (اددیجا، ۱۹۸۷ نقل از اردستانی و دیگران).

افزون بر آن، نتایج مبین تمایل کمتر معلولان غیر ورزشکار در مقایسه با معلولان ورزشکار، به استفاده از راهبردهای خودابرازگری، آزمون واقعیت، مهار برانگیختگی، تحمل تنیدگی و حل مسأله بود. برحسب اینکه افراد با موقعیت‌های قابل مهار یا غیرقابل مهار مواجه شوند، در موقعیت‌های حل مسأله، تحمل تنیدگی و مهار برانگیختگی

تفاوت هوش هیجانی در بین این دو گروه قابل توجیه است.

بر مبنای نتایج به دست آمده می‌توان گفت که ورزشکاران (پارالمپیک و ملی) با شرکت در مسابقات ملی، بین‌المللی، جهانی و المپیک با کسب مقامهای قهرمانی، افزایش تعاملهای اجتماعی و احساس ارزشمندی برای جامعه و کشور و تأمین‌بودن از لحاظ مادی و معنوی توانسته‌اند میزان هوش هیجانی و بسیاری از زیرمقیاسهای آن را که از عناصر مهم موفقیت در زندگی به حساب می‌آیند، در خود افزایش دهند و بر مشکلات جانبی معلولیت غلبه کنند.

امروزه در اکثر جوامع دنیا برای معلولان کلاسهای آموزش فعالیتهای ورزشی و تفریحی و آموزش احترام به خود، مهارتهای اجتماعی، روشهای حل مسئله و انعطاف-پذیری برگزار می‌شود. معلولانی که در کلاسهای ورزشی و آموزش مهارتهای روان‌شناختی شرکت می‌کنند و در مسابقات ورزشی به رقابت می‌پردازند، زمینه‌ای را برای تقویت احترام به خود، مهار هیجان خود و محیط، مهارتهای اجتماعی و آموزش مهارتهای مقابله‌ای و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تجربه می‌کنند. در حالی که در کشور ما، سازمان بهزیستی و توانبخشی با کمبود امکانات ورزشی، روان-شناختی و مشاوره مواجه است و برنامه‌های ارتقای مهارتهای ورزشی، هیجانی، رفتاری و شناختی نیز تقریباً در سطح پایین قرار دارند. سازمان بهزیستی و توانبخشی و سازمان تربیت بدنی و البته خانواده‌ها و به طور کلی جامعه باید دیدی فراتر از تمرکز محدود بر نتایج مراقبت از معلولان اتخاذ کنند و بازخوردی فراگیر و پیچیده‌تر نسبت به تربیت و پرکردن اوقات فراغت و تقویت سلامت جسمانی و روانی این افراد داشته باشند. کمک به برگرداندن آنها به زندگی فعال، پرشور و پرهیجان تنها همراه با انجام فعالیتهای ورزشی و آموزش مهارتهای روان‌شناختی زندگی امکان‌پذیر است.

نتایج پژوهش حاضر پیشنهادی است برای مسئولان امر ورزش معلولان تا تمام تلاش خود را در جهت ایجاد محیطهای ورزشی برای این افراد و برگزاری مسابقات و لیگها در تمامی رشته‌های ورزشی به کار گیرند تا به

به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کنند. بنابراین ضرورت توجه به موضوع هوش هیجانی و زیرمقیاسهای آن به عنوان یک عامل درونی، قابل تغییر، مؤثر بر عملکرد حل مسئله که می‌تواند به فرد در جهت مدیریت تنیدگی در شرایط درماندگی و مواجهه با مشکلات کمک کند و توانایی پیشگیری از درماندگی را افزایش دهد، مطرح می‌شود. احتمالاً یکی از دلایلی که ورزش می‌تواند جانبازان و معلولان ورزشکار را در بهبود وضعیت خود یاری دهد این است که وقتی این افراد رشد و پیشرفت خود را در حین فعالیت بدنی، ورزش و مسابقه مشاهده می‌کنند، قدرت، مهارت و تسلط در حرکات ویژه ورزشی در آنها افزایش می‌یابد، نسبت به خود و زندگی رضایت بیشتری احساس می‌کنند، مفهومی که از خود و دیگران دارند بهبود می‌یابد و موجب می‌شود که در انجام مسئولیتی که به آنها محول شده است، احساس استقلال و خودتحقق‌دهی کنند.

افزون بر آن، در این پژوهش نشان داده شد که تفاوت معناداری بین هوش هیجانی معلولان ورزشکار پارالمپیک و ورزشکار ملی وجود ندارد. این یافته‌ها با نتایج بلایند و مک‌لانگ (۱۹۹۷) و کینکاد (۱۹۹۸) در مورد تقویت مسائل روانی معلولان با شرکت در ورزشهای تفریحی همخوانی دارد. کینکاد (۱۹۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که نه تنها معلولان ورزشکار بلکه معلولان شرکت کننده در برنامه‌های ورزشی تفریحی، از آمادگی روانی و بدنی و همچنین یکپارچگی اجتماعی و شایستگی بیشتری برخوردارند. با این حال یافته‌های این تحقیق با نتایج کمپل و جونز (۱۹۹۴)، گلدبرگ و شپارد (۱۹۸۲) که اختلاف معنادار عوامل روان‌شناختی را در سطوح ورزشی معلولان نشان دادند، همخوانی ندارد. این عدم همخوانی احتمالاً به علت تفاوت زیرمقیاسهای اندازه-گیری شده و عدم مشابهت پرسشنامه‌های به کار رفته در پژوهشهاست. از آنجایی که بررسی ماهیت هوش هیجانی موضوعی جدید به حساب می‌آید و رابطه بسیار بالای آن با موفقیت در زندگی ثابت شده است و با توجه به این که هر دو گروه ورزشکار در این بررسی از موفقیت بالایی در زندگی شخصی برخوردار بودند، عدم

جانباز، تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۵-۱۴.

خسرو جاوید، م. (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد روان-شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

خورد، م. (۱۳۷۷). بررسی سازگاری شخصیتی در دو گروه از جانبازان و معلولین ورزشکار و غیرورزشکار استان مازندران. المپیک، ۱ و ۲ (۱۱)، ۵۰-۶۶.

دهشیری، غ. (۱۳۸۲). هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه هوش هیجانی باران در دانشجویان دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

زند، ب. (۱۳۸۶). بررسی مقایسه‌ای کاهش شیوع افسردگی در ورزشکاران قطع عضو پارالمپیک نسبت به معلولین قطع عضو غیر-ورزشکار و نقش جنبش پارالمپیک در سلامتی افراد معلول و لزوم آموزش پایه‌ای آن. چکیده مقالات دومین هم‌اندیشی بین‌المللی آموزش المپیک و پارالمپیک، ۸۰-۷۷.

شمس‌آبادی، ر. (۱۳۸۳). هنجاریابی بررسی ساختار عاملی پرسشنامه هوش هیجانی باران در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روان‌پزشکی تهران، مرکز تحقیقات بهداشت و روان.

محمدزاده، ی. و مسلمی‌حقیقی، ف. (۱۳۸۱). بررسی میزان پراکندگی افسردگی در دوگروه جانبازان و معلولین ورزشکار و غیر ورزشکار. نخستین همایش سراسری تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس، ۳۸-۳۶.

Ashton-Shaeffer, C., Gibson, H., Holt, M., & Williams, C. (2001). Women's resistance and empowerment through wheelchair sport. *Word Leisure Journal*, 43 (4), 11- 21.

Asken, M. J., & Goodling, M. D. (1986). Sport psychology: An undeveloped discipline among the sport sciences for disabled athletes. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 3, 312- 319.

Bar-On, R. (1997). *The Emotional Intelligence Inventory (EQ-I): Technical manual*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.

نوعی به روش غیرمستقیم بتوانند برخی از عوامل مهمی را که در شکل‌گیری سازه هوش هیجانی نقش دارند در این افراد بهبود بخشند و آنها را به سوی زندگی همراه با موفقیت سوق دهند.

تعداد کم نمونه‌های پژوهش، عدم کنترل متغیرهای تأثیرگذار بر هوش هیجانی مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و فردی محدودیتهایی را در زمینه تعمیم یافته‌ها، تفسیر و اسنادهای علت شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کنند، که باید در نظر گرفته شوند. علاوه بر این در این پژوهش ورزشکاران گروهی و انفرادی در کنار یکدیگر بررسی شدند، در حالی که برخی پژوهشها نشان می‌دهند که هوش هیجانی این افراد ممکن است متفاوت باشد.

منابع

اردستانی، ع.، تندنویس، ف. و حاج میرفتاح، ف. (۱۳۸۱). مقایسه نگرش افراد معلول ورزشکار و غیرورزشکار نسبت به خود از بعد اجتماعی. *نشریه علوم حرکتی ورزش، ۱ (۱)*، ۱۰-۱.

ارمیان، ف. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه نگرشهای منفی منجر به افسردگی در دو گروه از جانبازان ورزشکار و غیرورزشکار. نخستین همایش سراسری جانباز، تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تربیت مدرس، ۵۷-۵۵.

بشارت، م.، عباسی، غ. و میرزاکامدیفی، ر. (۱۳۸۵). تبیین موفقیت ورزشی در ورزشهای گروهی و فردی بر حسب هوش هیجانی. *المپیک، ۱ (۳۳)*، ۹۶-۸۷.

بهمنی، م. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه درون‌گرایی در دو گروه از جانبازان ضایعه نخاعی ورزشکار و غیرورزشکار. خلاصه مقاله‌های نخستین همایش سراسری جانباز، تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت مدرس، ۴۰-۳۹.

پورسلطانی، ح. (۱۳۸۲). رابطه بین فعالیت ورزشی و سلامت عمومی جانبازان و معلولین قطع عضو ورزشکار ایرانی. *نشریه علوم حرکتی ورزش، ۱ (۲)*، ۱۶-۱۰.

تابش، س. (۱۳۸۳). مقایسه هوش هیجانی در بین زنان ورزشکار (با مهارت باز و بسته) و غیر ورزشکار. حرکت، ۲۹، ۴۲-۳۳.

ثالثی، م. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر فعالیتهای ورزشی بر بهداشت روانی معلولین جسمی. خلاصه مقاله‌های نخستین همایش سراسری

- ce: What it can mean and how it can affect performance. In V. Urch Druskat, F. Sala and G. Mount (Eds), *Linking emotional intelligence and performance at work* (pp. 165-184). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Henschen, K. P., Horvat, M., & Roswal, G. (1992).** Psychological profiles of the United State wheelchair basketball team. *International Journal of Sport Psychology*, 23, 128-137.
- Goldberg, G., & Shephard, R. J. (1982).** Personality profiles of disabled individuals in relation to physical activity patterns. *Journal of Sport Medicine and Physical Fitness*, 22, 477- 484.
- Kinkade, K. M. (1998).** *The contribution of recreation and sport participation to the quality of life of children with disabilities*. University of Oregon : Kinesiology Publications.
- Kreitler, S., & Kreitler, H. (1991).** The psychological profile of the health-oriented individual. *European Journal of Personality*, 5 (1), 35-60.
- Latimer, A. E., MartinGinis, K. A., & Craven, B. C. (2004).** Psychological predictors and exercise intentions and behavior among individuals with spinal cord injury. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 21, 71- 85.
- Latimer, A .E., Rench, T. A., & Brackett, M. A. (2007).** Emotional intelligence: A framework for examining emotions in sport and exercise groups. In: M. R. Beauchomp & M. A. Eys (Eds.), *Group dynamics in exercise and sport psychology* (pp. 3-27). New York : Routledge.
- Lowther, J., Lane, A., & Lane, H. (2002).** Self-efficacy and psychological skills during the amputee Soccer World Cup. *Athletic Insight: Online Journal of Sport Psychology*, 4 (2), 23-34.
- Martin, J. J. (2002).** Training and performance self-
- Bar-on, R., & Parker, J. D. (2000).** *The handbook of emotional intelligence*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Barsade, S., & Gibson, D. E. (1998).** Group emotion: A view of the top and bottom. *Research on management groups and teams*, 1, 81-102.
- Berger, R. J. (2009).** *Hoop dreams on wheels, disability and the competitive wheelchair athlete*. New York: Routledge.
- Blinde, E. M., & McClung, L. R. (1997).** Enhancing the physical and social self through recreational activity: Accounts of individuals with physical disabilities. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 14, 327-344.
- Blinde, E. M., & Taub, D. E. (1999).** Personal empowerment through sport and physical fitness activity: Perspectives from males college students with physical and sensory disabilities. *Journal of Sport Behavior*, 22, 181- 202.
- Campbel, E. (1995).** Psychological well-being of participants in wheelchair sport: Comparison of individuals with congenital and acquired disability. *Perceptual and Motor Skills*, 81, 563- 568.
- Campbel, E., & Jones, G. (1994).** Psychological well-being in wheelchair sport participants and non-participants. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 11, 404- 415.
- Ciarrochi, J., Deane F. P., & Anderson, S. (2002).** Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health. *Personality & Individual Differences*, 32, 197- 209.
- Dawda, D., & Hart, S. D. (2000).** Assessing emotional intelligence: Reliability and validity of the Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-I) in university students. *Personality and Individual Differences*, 28, 797-812.
- Elfenbein, H. A. (2006).** Team emotional intelligen-

wheelchair basketball players. *Perceptual and Motor Skills*, 73, 396- 398.

- Pensgaard, A. M., Rober, G. C., & Ursin, H. (1999).** Motivational factors and coping strategies of Norwegian paralympic and olympic winter sport athletes. *Adapted Physical Activity Quarterly*, 16, 238- 250.
- Putzke, J. D., Richards, J. S., Hicken, B. L., & Devivo, M. J. (2002).** Predictors' of life satisfaction: The spinal cord injury cohort study. *Archives of Physical Medicine and Rehabilitation*, 83, 555-563.
- Spencer, T. (2007).** The role of research in the lives of people with disability: Too little too late? *The Exceptional Parent*, 37 (5), 78- 82.
- Thelwell, R. C., Lane, A. M., Weston, N. J. V. & Greenlees, L. (2008).** Examining relationships between emotional intelligence and coaching efficacy. *United School Employees of Pasco*, 6, 224-235.
- Vallerand, R. J., & Blanchard, C. M. (1999).** The study of emotion in sport and exercise. In Y. L. Hanin (Ed.), *Emotions in sport* (pp. 3-37). Champaign, IL: Human Kinetics.
- Zizzi, S., Deaner, H., & Hirschhorn, D. (2003).** The relationship between emotional intelligence and performance among college baseball players. *Journal of Applied Sport Psychology*, 15 (3), 262- 269.
- efficacy, affect and performance in wheelchair road racer. *Sport Psychologist*, 16, 384-395.
- Meyer, B., & Fletcher, T. B. (2007).** Emotional intelligence: A theoretical and implications for research and professional practice in sport psychology. *Journal of Applied Sport Psychology*, 19 (1), 1-15.
- Mikolajczak, M., Roy, E., Verstrynge, V., & Luminet, O. (2009).** An exploration of the moderating effect of trait emotional intelligence on memory and attention in neutral and stressful conditions. *British Journal of Psychology*, 6, 232-250.
- Murphy, L. (2009).** Developing emotional intelligence as a means to increase team performance. *World Review Of Entrepreneurship Management & Sustainable Development*, 5 (2), 193-205.
- Narimani, M., & Basharpour, S. (2009).** Comparison of attachment styles and emotional intelligence between athlete women (collective and individual sports) and non-athlete women. *Research Journal of Biological Sciences*, 4 (2), 216- 221.
- Paulsen, P., French, R., & Sherrill, C. (1990).** Comparison of wheelchair athletes and non-athletes on selected mood state. *Perceptual and Motor Skills*, 71, 1160- 1162.
- Paulsen, P., French, R., & Sherrill, C. (1991).** Comparison of mood state of college able-bodied and